

نعمه خوش زبان فارسی در

سرزمین قطبی

نگاهی به بخش زبانهای ایرانی در دانشگاه

اوپسالای سوئد

محمود حسن آبادی

دانشگاه اوپسالا؛ دانشگاه سیستان و بلوچستان

بهمن معظمی

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوئد

زبان فرانسه گرفته شده است. پایتخت آن شهر استکهلم است. سوئد، با مساحت ۴۴۹,۹۶۴ کیلومتر مربع، سومین کشور بزرگ اروپا از نظر وسعت است. جمعیت سوئد بیش از نه میلیون و دویست هزار است که حدود هفت میلیون و نهصد هزار آن سوئدی اصیلاند. تراکم جمعیت در این کشور، با ۲۰ نفر در هر کیلومتر مربع، نازل است. بیشتر این جمعیت نیز در جنوب کشور مستقرند. بیش از ۸۵ درصد مردم سوئد شهری‌اند. حکومت کشور پادشاهی مشروطه است. پادشاه مقام نمادی و تشریفاتی دارد و کشور را دولت منتخب پارلمان، که نخست‌وزیر در رأس آن جای دارد، اداره می‌کند.

زبان رسمی کشور، سوئدی، از شاخه ژرمنی خانواده زبانهای هندواروپایی و به زبانهای نروژی و دانمارکی نزدیک است. اغلب گویشوران این سه زبان، هرکدام به زبان خود، می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. به چند زبان اقلیمی مانند فنلاندی (در برخی نواحی شمالی کشور)، تورندال^۲، و رومنی^۴ نیز در کشور سوئد سخن گفته می‌شود. شهروندان سوئدی، در حدّ معینی، در تعامل با دستگاههای دولتی، حق استفاده از این زبانها را دارند.

حاشیه

۱) Hermelin, Eric (۱۸۶۰-۱۹۴۴)، نویسنده و شاعر. وی آثار فراوانی از زبان فارسی به زبان سوئدی ترجمه کرد. او به زبانهای متعدّد آلمانی، فرانسه، عبری، یونانی، لاتینی، فارسی، اردو، و عربی آشنا بود. اما، در میان زبانهای مهمّ جهان، دو زبان فارسی و عبری را شاخص می‌شمرد. هرملین به مطالعه در عرفان و تصوف بسیار علاقه‌مند بود. وی روحیه‌ای بسیار حسّاس داشت. هیجانهای روانی او به حدی بود که از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۴۴ در آسایشگاهی بستری شد و، در همین ایام، با شیفتگی تمام، بیش از بیست اثر کلاسیک ایران را در ده هزار صفحه از زبان فارسی به زبان سوئدی برگرداند بی‌آنکه حتی پا به ایران‌زمین گذاشته باشد.

۲) سپاسگزار پروفیسور کارینا جهانی، استاد گروه زبانهای ایرانی دانشگاه اوپسالا، هستیم که، طی چندین نوبت گفت‌وگو، در باب آن گروه و نحوه آموزش دانشجویان در دوره‌ها و گرایشهای گوناگون اطلاعات جامع و ارزشمندی در اختیارمان نهادند. همچنین از دو همکار دیگر همین گروه، خانم فروغ حاشاییکی و آقای داریوش کارگر، متشکریم که ما را در این راه یاری کردند.

۳) زبان مهاجران فنلاندی که در اوایل قرن چهاردهم در شمال سوئد نزدیک دره رود مرزی ترن، بین سوئد و فنلاند مستقر شدند.

۴) نام عمومی زبانی که کولیها به آن سخن می‌گویند و اصلاً از زبانهای هندی، دسته هندوایرانی، از ریشه هندواروپایی است اما، در هر کشور، با زبان یا لهجه محلی آمیخته شده و تغییر صورت داده است. (دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ذیل کولی، زبان یا زبان رومنی).

امروزه زبان فارسی در کشور سوئد، با حدود هفتاد هزار ایرانی مهاجر، ناشناخته نیست. در گوشه و کنار آن، می‌توان نعمه خوش این زبان را شنید. پیش از مهاجرت‌های گسترده ایرانیان به سوئد نیز، مردم سوئد با زبان فارسی و آثار پُرشکوه ادبیات آن آشنا بوده‌اند. سفرنامه‌های سیّاحان سوئدی و ترجمه‌های اریک هرملین^۱ از آثار عرفانی فارسی به زبان سوئدی همچنین شرق‌شناسان در آشنا ساختن مردم سوئد با زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی نقش مؤثری داشتند.

در این مقال، پس از گزارشی کوتاه درباره کشور سوئد به‌ویژه شهر اوپسالا، از دانشگاه اوپسالا، تاریخچه، ساختار، و بخشهای متعدّد آن یاد سپس به پیشینه ایران‌شناسی و ایران‌شناسان بزرگ سوئد پرداخته شده است. پس از مرور اجمالی سوابق بخش زبانهای ایرانی و استادان و ایران‌شناسان بزرگ آن و آثارشان، برنامه آموزش زبان فارسی در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری، پایان‌نامه‌ها، مجلات و انتشارات وابسته به این بخش شرح داده شده است.^۲

کشور سوئد (Sverige، اسوریّه) در شبه‌جزیره اسکاندیناوی (شمال اروپا) واقع شده است. نام این کشور در فارسی از نام آن در

نخستین تماس‌های فرهنگی ایران و سوئد به قرن هفدهم بازمی‌گردد — زمانی که سیاحانی از سوئد به ایران عصر صفوی سفر کردند و در سفرنامه‌های خود از این سرزمین اسرارآمیز سخن گفتند.^۵ از نیمه نخست قرن بیستم به بعد، نویسندگان و شاعران و ادبیات‌شناسان سوئدی به ادبیات کلاسیک ایران علاقه‌مند شدند. از جمله آنان می‌توان از اریک هرملین، زرتشتین، بو اوتاس، اسونینگ، سون دبلانک، لاسه سودربرگ، اریک بلومبری، اکه‌لوف، ویلی کیرکلوند، ویلهلم اکه‌لوند، کارل یوران اکروالد، سیگرید کاله، آگ دام، و آشک دالین نام برد. نخستین ایران‌شناسی که در سوئد به ادبیات فارسی توجه خاص نشان داد اریک هرملین بود که، به زعم برخی از محققان، ایران‌شناسی در کشور سوئد، به طور جدی، با این نویسنده و پژوهشگر و ترجمه‌های اشعار فارسی به قلم او آغاز شد. در حقیقت، اریک هرملین، طی دو دهه، پرچمدار ایران‌شناسی در سوئد بود. از سالهای ۱۳۶۰ش به بعد، همزمان با رشد فزاینده مهاجرت ایرانیان به اروپا و آمریکا، رفته‌رفته، مترجمان ایرانی به میدان آمدند و در عرصه ترجمه آثار فارسی به زبان سوئدی جاننشین سوئدیها شدند. در واقع، از نیمه دوم قرن بیستم تا به امروز، به مرور، نام سوئدیها بیشتر در مقام ویراستار و مشاور در کنار نام مترجمان ایرانی قرار گرفته است. امروزه، هرچند ایرانیان و علاقه‌مندان به فرهنگ ایران و زبان فارسی در سراسر سوئد پراکنده‌اند،^{۱۷} شهر اوپسالا و دانشکده معروف و کهنسال آن مقام اول را در ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی حائز است.

اوپسالا و دانشگاه اوپسالا

اوپسالا^{۱۸}، از شهرهای مرکزی سوئد، در هفتاد کیلومتری شمال استکهلم واقع است. این شهر، با ۱۳۰,۰۰۰ نفر جمعیت (آمار ۲۰۰۵)، چهارمین شهر بزرگ سوئد است. شهر اوپسالا، در فرهنگ ملی سوئد و تاریخ و ادبیات و موسیقی آن، جایگاه بلندی دارد. بسیاری از شئون فرهنگ دانشگاهی سوئد، مانند کلاه سفید دانشجویی یا نظام انجمنهای دانشجویی، ریشه در اوپسالا دارند.

در مرکز شهر اوپسالا و در بافت قدیمی آن، چند بنای کهنسال برپاست که از قدمت، اعتبار، و غنای فرهنگی شهر

حکایت می‌کنند؛ از جمله کلیسای جامع^{۱۹} بر فراز تپه‌ای مشرف بر سراسر شهر با ارتفاعی که، از هر سو، از فرسنگها راه، برجهای دوگانه ناقوس آن دیده می‌شود؛ قصر یا قلعه اوپسالا^{۲۰} بر بالای تپه‌ای مجاور تپه کلیسا؛ و در مجاورت این دو، ساختمان قدیمی دانشگاه اوپسالا. این هر سه بنای تاریخی بر کران غربی رود فریزان^{۲۱} احداث شده‌اند. به‌خصوص معماری سنتی و زیبای دانشگاه به این ناحیه تشخیصی دیگر بخشیده است. در همین محدوده، گورستانی سرسبز و خرم موسوم به باغ کلیسا^{۲۲} (گورستان) جای دارد که بیشتر به نزهتگاهی فرح‌بخش می‌ماند.

حاشیه

۵) برای اطلاعات بیشتر درباره سیاحان و سفرنامه‌های آنان ←
Sohrabi, pp. 631-660

6) Svening

7) Delblanc, Sven (1931-1992)

8) Söderberg, Lasse (1931-2002)

9) Blomberg, Erik (1913-1996)

۱۰) Ekelöf, Gunnar (۱۹۰۷-۱۹۶۸)، شاعر و نویسنده سوئدی؛ سراینده «مرثیه مولانا» (۱۹۶۰)؛ عضو آکادمی سوئد از سال ۱۹۵۸؛ دارای دکترای افتخاری دانشگاه اوپسالا (۱۹۵۸).

۱۱) Kyrklund, Willy (۱۹۲۱ هلسینکی-۲۰۰۹)، خانواده‌اش در سال ۱۹۳۸ از فنلاند به سوئد منتقل شد و او، در سوئد، زبانهای چینی، فارسی، روسی همچنین ریاضیات آموخت.

۱۲) Ekelund, Vilhelm (۱۸۸۰-۱۹۴۹)، شاعر سوئدی

13) Ekerwald, Carl-Göran (1923-)

14) Kahle, Sigrid (1928-)

15) Ag Dam

۱۶) Dahlén, Ashk (۱۹۷۲-)، استاد زبانهای ایرانی در مؤسسه مطالعات فرهنگی و زبانهای شرقی دانشگاه اسلو (نروژ)، مترجم اشعار حافظ و چهارمقاله نظامی عروضی به زبان سوئدی.

۱۷) بنا بر آخرین گزارش مرکز آمار سوئد، تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۱، ۶۹۵۴۶ ایرانی در سوئد اقامت داشته‌اند و ایرانیان، با این رقم جمعیت، هفتمین گروه بزرگ مهاجر این کشور شمرده می‌شوند.

18) Uppsala

19) Uppsala Domkyrkan

20) Uppsala Slott

۲۱) Fyrisån. این رودخانه از ناحیه اوپلند (Uppland) و شهر اوپسالا می‌گذرد و به دریاچه ملارن (Lake Mälaren) می‌ریزد. در آغاز، رود پُر یا رود سالا نامیده می‌شد اما، در قرن هفدهم، به یاد فریزوئیر (Fyrisvellir)، چهره اسطوره‌ای در اساطیر شمالی) فریزان نام گرفت.

22) Kyrkogård

پاره وقت‌اند. گردش مالی دانشگاه اویسالا، سالانه ۴/۳ میلیارد کورون، حدود ۷۱۵ میلیون دلار امریکا است که قریب ۶۰ درصد آن به تحصیلات تکمیلی و پژوهش اختصاص دارد. براساس آخرین رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان، دانشگاه اویسالا رتبه دوم در سوئد و شصت و دوم در دانشگاه‌های جهان را حائز است. امروزه دانشگاه اویسالا با حدود پانصد دانشگاه سراسر جهان توافق‌نامه همکاری در زمینه تبادل استاد و دانشجو دارد.

از دانشگاه اویسالا، شخصیت‌های مشهوری در عرصه‌های گوناگون، از سیاستمداران و وزیران گرفته تا برندگان جایزه نوبل و دانشمندان برجسته، برخاسته‌اند - نامدارانی چون کارل لینه^{۲۵}؛ داگ هامرشولد^{۲۶}؛ هانس بلیکس^{۲۷}؛ آنا لینه^{۲۸}، وزیر امور خارجه سوئد که در سال ۲۰۰۳ ترور شد؛ اندرس سلیوس^{۲۹}؛ اندرس یوناس آنگستروم^{۳۰}؛ نیکلاس زناستروم^{۳۱}، مخترع «کازا»^{۳۲} و

حاشیه

(۲۳) Gustavus Adolphus، گوستاو چهارم (۱۷۷۸-۱۸۳۷)؛ سلطنت: ۱۷۹۲-۱۸۰۹). استبداد رأی، عدم تعادل دماغی، و شکست‌های نظامی و سیاسی و، سرانجام، به‌خطر افتادن استکهلم از جانب روسها (۱۸۰۹) وی را مجبور به کناره‌گیری کرد و اعقاب او نیز از رسیدن به سلطنت محروم گشتند.

(۲۴) Coimbra Group، شبکه‌ای متشکل از سیزده دانشگاه اروپایی برای بالا بردن سطح علمی آنها که در سال ۱۹۸۵ بنیانگذاری شده و با منشور سال ۱۹۸۷ رسماً شروع به کار کرده است.

(۲۵) Linné (Linnaeus), Carl (کارولوس لینیوس، ۱۷۰۷-۱۷۷۸)، عالم طبیعیات و پزشک سوئدی، واضع رده‌بندی و نامگذاری دوتائی گیاهان و جانوران.

(۲۶) Hammarskjöld, Dag (۱۹۰۵-۱۹۶۱)، دبیرکل سازمان ملل متحد (۱۹۵۳-۱۹۶۱)، در سانحه‌ای هوایی حین خدمت، در رودزای شمالی (زامبیا) جان سپرد. برنده جایزه نوبل ۱۹۶۱.

(۲۷) Blix, Hans (۱۹۲۸-)، دیپلمات و سیاستمدار سوئدی طی سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۹، وزیر امور خارجه سوئد و در سالهای ۱۹۸۱-۱۹۹۷ دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود.

(28) Lindh, Anna (1957-2003)

(۲۹) Celsius, Anders (۱۷۰۱-۱۷۴۴)، منجم سوئدی و استاد دانشگاه اویسالا (۱۷۳۰-۱۷۴۴).

(۳۰) Ångström, Anders Jonas (۱۸۱۴-۱۸۷۴)، فیزیکدان و اخترشناس سوئدی، مدیر رصدخانه اویسالا و صاحب کرسی فیزیک دانشگاه اویسالا.

(31) Zennström, Niklas (1966-)

(۳۲) Kazaa، وبگاه مشهور موسیقی که، در پی درخواست شرکتهای ضبط و نشر فیلم و موسیقی، متوقف شد. در سال ۲۰۰۵، بیش از یک میلیارد و صد میلیون دلار ارزش ترانه‌های موسیقی فروخته‌شده در اینترنت تخمین زده شده است.

در آن، بزرگانی همچون داگ هامرشولد، هنریک ساموئل نیبرگ، و داود منشی‌زاده آرمیده‌اند. در گوشه و کنار آن، ایرانیان تارک وطنی نیز خفته‌اند. بر کتیبه‌های سنگی بالای گورشان، نوشته‌ها و ابیاتی فارسی با خطی زیبا و با همان مضمون سنگ قبرهای داخل ایران - ذکر محاسن متوفی و حسرت بازماندگان - به چشم می‌خورد.

دانشگاه اویسالا، قدیم‌ترین دانشگاه کشورهای اسکاندیناوی، از معتبرترین مراکز تحقیقاتی - آموزشی در شمال اروپا و، طی قرن‌ها، یکی از مشهورترین مراکز آموزش عالی در اروپا بوده است. بنیانگذار این دانشگاه، همانند بسیاری از دانشگاه‌های قرون وسطی، کلیسا بود و، با اجازه و تشویق پاپ سیکستوس چهارم (دوران پاپی: ۱۴۷۱-۱۴۸۴)، در سال ۱۴۷۷ تأسیس شد. وی امتیازات و ضوابطی مشابه امتیازات و ضوابط دانشگاه بولونیا (در ایتالیا) شامل حق ایجاد چهار دانشکده سنتی الهیات، حقوق، طب، و فلسفه در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، و دکتری به دانشگاه اویسالا اعطا کرد. اسقف بزرگ اویسالا به ریاست این دانشگاه برگزیده شد.

در اواخر قرن ۱۶ که آرمان «تبدیل سوئد به قدرتی بزرگ» مطرح شد، این دانشگاه شأن بلندتری یافت و، با تغییراتی اساسی، به تدریج از حوزه نفوذ کلیسا و تعلیمات کلیسایی خارج شد. تا آن زمان، این دانشگاه قرون وسطایی اساساً مدرسه‌ای بود برای تعلیم الهیات و دروسی مانند زبان لاتینی، نجوم، فیزیک، همه به نوعی، در خدمت الهیات بودند. اما، از آن پس، راه برای ورود مواد تازه‌ای در برنامه درسی آن گشوده شد. شمار کرسیهای دانشگاه به هفده افزایش یافت و علوم کاربردی جدید نیز در آن تدریس شد. در اوایل قرن هفدهم، با کمکهای مالی و موقوفات شاهانه گوستاوس آدولفوس^{۳۳}، ثبات مالی بیشتری پیدا کرد. از آن پس، این دانشگاه از عنایت و حمایت و کمک مالی و سهم موقوفات شاهان و ملکه‌های سوئد بهره‌مند شد و گسترش کمی و رشد کیفی یافت.

امروزه دانشگاه اویسالا به گروه کیمبر^{۳۴} تعلق دارد. این دانشگاه دارای سه حوزه آموزشی است که، در زیرمجموعه آنها، نه دانشکده با حدود بیست هزار دانشجوی تمام‌وقت و دو هزار دانشجوی دکتری جای دارند. شش هزار کارمند در استخدام این دانشگاه‌اند که چهار هزار آنها کادر آموزشی تمام‌وقت یا

«اسکایپ»^{۳۳}، که همچنان در دانشگاه اوپسالا مشغول تحصیل است.

شعار دانشگاه، که بر مُهر آن نیز نقش بسته است، چنین است:

Gratiae veritas naturae (Thanks to the truth of nature)

به پاس حقیقت طبیعت

بر کتیبه ساختمان مرکزی قدیم دانشگاه این جمله توماس توریلد^{۳۴} نقش بسته است:

Tänka fritt är stort, men tänka rätt är större

آزاداندیشی خوش است، اما درست‌اندیشی خوش‌تر است

گنجینه کتابخانه دانشگاه حاوی پنج میلیون و دویست و پنجاه هزار (۵,۲۵۰,۰۰۰) جلد کتاب و نشریات ادواری در ۱۳۱,۲۹۳ قفسه، ۶۱,۹۵۹ نسخه خطی، ۷۱۳۳ دفتر نوت موسیقی، ۳۴۵,۷۳۴ نقشه و اسناد جغرافیایی است. امروزه، هرچند کتابخانه دانشگاه اوپسالا نوزده شاخه دارد، کتابخانه کارولینا^{۳۵} قدیم‌ترین و بزرگ‌ترین و مشهورترین کتابخانه دانشگاه و شهر اوپسالا است. این کتابخانه نیز بر فراز تپه‌ای در کنار کلیسا و قلعه واقع شده و ضلع سوم مثلث دین و قدرت و علم را می‌سازد. در این کتابخانه، نسخه خطی نفیس و بس کهنی از انجیل گوتیک نگهداری می‌شود. علاوه بر این، دانشگاه اوپسالا دارای بیمارستانی آموزشی^{۳۶} برای دانشکده پزشکی و مدرسه پرستاری است.

ساختار دانشگاه اوپسالا

هیئت مدیره دانشگاه اوپسالا شورایی است مرکب از نه تن رؤسای دانشکده‌ها، سه نماینده از استادان، سه نماینده از دانشجویان، و ده تن از خارج از دانشگاه به انتخاب دولت سوئد. همه این افراد دارای حق رأی‌اند. از اتحادیه‌های فعال در دانشگاه نیز سه نماینده در این شورا شرکت می‌کنند که حق رأی ندارند.

رئیس دانشگاه (*rector magnificus* یا *vice-chancellor*) سه معاون (*vice rectors*) دارد که هریک سرپرست یکی از سه حوزه علمی-آموزشی نیز هستند. رئیس (*dekanus* یا *dean*) هریک از دانشکده‌ها نیز بیشتر از میان استادان همان دانشکده انتخاب می‌شود.^{۳۷}

موقعیت بخش زبان فارسی در سازمان دانشگاه اوپسالا در نمایه زیر روشن و مشخص است:

دانشگاه اوپسالا ← حوزه علوم انسانی و اجتماعی ← دانشکده

زبانها ← گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ← بخش زبانهای ایرانی

(فارسی - بلوچی - کردی - فارسی میانه)

گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه

گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه، واقع در پارک انگلیسی و در مجاورت قبرستان کلیسا، بخشی از دانشکده زبان و آن نیز، به نوبه خود، شاخه‌ای از حوزه علوم انسانی است. این گروه در سال ۲۰۰۴، با ادغام سه گروه مستقل زبان‌شناسی؛ فقه‌اللغه و زبانهای کلاسیک؛ و زبانهای افریقایی و آسیایی تشکیل شد و آن شامل دو بخش آموزش و پژوهش است. در آن، دروس و دوره‌های متعددی در بیش از دویست حوزه از آموزش زبان و ادبیات چینی و بی‌زبانی گرفته تا ترجمه ماشینی پیشرفته عرضه می‌شود. اساساً، در آن، زبان و کاربرد آن منظور نظر و موضوع تحقیق است. تحقیقات، عمدتاً در حوزه زبان‌شناسی همگانی، زبان‌شناسی رایانه، زبانهای آسیایی و افریقایی؛ و زبانهای باستان صورت می‌گیرد.

حاشیه

(۳۳) Skype، نرم‌افزار کاربردی که به کاربر امکان می‌دهد با صدا روی پروتکل اینترنت با دیگران تماس تلفنی بگیرد.

(۳۴) Thorild, Thomas (۱۷۵۹-۱۸۰۸)، شاعر و منتقد و فیلسوف. وی در سوئد متولد شد و در آلمان درگذشت. او از اعضای برجسته نخبگان فرهنگی در استکهلم در دوره گوستاو پادشاه بزرگ سوئد بود. سهمی از شهرتش به‌خصوص در میان زنان مرهون آراء خاص او درباره زنان و جنسیت است. وی مظهر آزاداندیشی پس از انقلاب فرانسه به شمار می‌رفت.

35) Carolina Rediviva

(۳۶) Akademiska sjukhuset، این بیمارستان در سال ۱۳۰۲م در شهر اوپسالا تأسیس شد و قدمت آن از دانشگاه اوپسالا بیشتر است. متعاقباً با درمانگاه دانشگاه (سال تأسیس: ۱۷۰۸) ادغام شد و، به عنوان بیمارستان دانشگاهی، به آموزش پزشکی و پرستاری اختصاص یافت. این بیمارستان دانشگاهی، در سال ۲۰۰۳، دارای ۷۷۱۹ کارمند و در سال ۲۰۰۴، دارای ۱۰۷۹ تخت برای مداوای بیماران بوده است. از سال ۱۸۶۷، به مکان امروزش در جنوب شرق قلعه اوپسالا منتقل گردید و به تدریج گسترش یافت.

(۳۷) برای اطلاع از جزئیات ساختار دانشگاه و موقعیت بخش زبانهای ایرانی در آن و دیگر رشته‌های دانشگاهی ← نمودار آخر مقاله.

پیشینه بخش زبانهای ایرانی

در فاصله زمانی اواخر قرن نوزدهم تا اواخر قرن بیستم، گروه شرق‌شناسی یگانه گروهی بود که در سوئد به زبان فارسی می‌پرداخت. این گروه دو بخش داشت: بخش زبانهای سامی و بخش زبان سنسکریت. استادانی همچون زترشتین، نیبرگ، و ویکاندر، در همین گروه شرق‌شناسی، به ترتیب، زبانهای سامی و سنسکریت تدریس می‌کردند. این هر دو با زبان فارسی نیز آشنا بودند و آن را درس می‌دادند. پس از آمدن داود منشی‌زاده به این گروه، کفه زبانهای ایرانی سنگین‌تر شد؛ اما هنوز بخش مستقلی نداشت به گونه‌ای که وقتی اوتاس قصد داشت از پایان‌نامه خود در عرفان ایرانی و ادبیات فارسی دفاع کند، ناچار به کنه‌هاگ رفت. اوتاس زبان و ادبیات فارسی را خوب می‌دانست و، پس از بازگشتش در سال ۱۹۸۲ به سوئد، به تدریس زبانهای ایرانی پرداخت. سرانجام، در سال ۱۹۸۸، این بخش، که تا آن هنگام بخشی فرعی بود، کرسی مستقل یافت و استادی این کرسی به اوتاس تعلق گرفت. یک سال پس از آن، کارینا جهانی از پایان‌نامه خود در حوزه زبانهای ایرانی دفاع کرد و این اولین پایان‌نامه در این مقوله بود. پس از بازنشسته شدن اوتاس در سال ۲۰۰۳، وقفه‌ای در کار این کرسی پدید آمد. در همین اوان، با ادغام سه گروه مستقل، گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه پدید آمد. با اینهمه، در سال ۲۰۰۵، کرسی زبانهای ایرانی دوباره احیا و فعال شد. در درون بخش زبانها و فرهنگهای آسیایی و افریقایی، شامل رشته‌های متنوع حتی زبان سواحیلی، زبان آشوری، و زبان چینی، دو بخش آموزشی و تحقیقاتی وجود دارد: یکی بخش مربوط به آسیای غربی که زبانهای ایرانی در آن جای می‌گیرد؛ دیگری بخش زبانها و فرهنگهای آسیای جنوبی با دوره‌هایی در زبان هندی و هندشناسی و تأمیل و برنامه فوق لیسانس برای پژوهش.

بخش زبانهای ایرانی از سال ۲۰۰۴ به گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ملحق گردید. در این بخش، مطالعه زبانهای ایرانی شامل یکی از زبانهای اصلی منطقه یعنی فارسی (فارسی ایران، دری افغانستان، و تاجیکی تاجیکستان) و کردی و پشتو و بلوچی از مواد آموزشی اصلی است؛ اما چشم‌انداز پژوهشهای زبان‌شناختی، در آن، به گونه‌ای طراحی شده که هرگونه مطالعات منطقه‌ای با مرکزیت زبان را دربرگیرد. تمرکز اصلی تحقیقات بر ساختارهای زبان‌شناختی، تماس زبانی، و زبان‌شناسی اجتماعی است هرچند بعضاً طرحهای تحقیقاتی مربوط به ادبیات فارسی و ادبیات جدید دیگر زبانهای محلی ایرانی

به‌ویژه بلوچی و کردی و پشتو و گیلکی و مازندرانی نیز اجرا می‌شود. توصیف دستوری فارسی کلاسیک در هر دو صورت گفتاری و نوشتاری فارسی امروزی از دیگر برنامه‌هاست. حوزه دیگر مورد توجه تحقیق در زبان‌شناسی اجتماعی زبانهای ایرانی درون و بیرون ایران و زبانهای دیگر درون کشور ایران (سامی، ترکی، دراویدی) است. در حوزه ادبیات، تحقیقات بیشتر بر روی ادبیات نو در زبان فارسی و کردی و پشتو و بلوچی، ادبیات کلاسیک و پساکلاسیک فارسی همچنین ادبیات شفاهی (قصه‌های عامیانه، شعر شفاهی، ترانه و نظایر آنها) متمرکز است.

در دوره لیسانس و فوق لیسانس، درسهایی مانند فارسی باستان، اوستایی، فارسی میانه (ساسانی)، پارتی، فارسی نو، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، کردی، و پشتو عرضه می‌شوند و، در این میان، به فارسی نو و کردی بیشتر توجه می‌شود. دوره دکتری زبانهای ایرانی نیز دایر است.

استادان این بخش از گذشته‌ها تا امروز

در میان استادان قدیم این گروه به نامهای برجسته و مشهوری در حوزه ایران‌شناسی برمی‌خوریم که ذیلاً به اختصار معرفی می‌شوند:



زترشتین

کارل ویلهلم زترشتین^{۳۸} (۱۸۶۶-۱۹۵۳) در شهر اورس^{۳۹} از استان دالارنا^{۴۰} در مرکز سوئد متولد شد. در سال ۱۸۸۴، تحصیلات خود را در دانشگاه اوپسالا آغاز کرد و در سال ۱۸۹۵،

حاشیه

38) Zetterstéen, Karl Vilhelm

39) Orsa

40) Dalarna

اسپانیایی، ایتالیایی، روسی، لهستانی، لیتوانیایی، فنلاندی، آلمانی، فرانسه، انگلیسی، عربی و، از زبانهای قدیم، لاتینی، یونانی، عبری، عربی کلاسیک، آرامی، اتیوپیایی، سنسکریت، فارسی میانه، همچنین ارمنی، گرجی، و ترکی آشنایی داشت و کردی و بلوچی و اردو و بنگالی را می‌فهمید. وی چند باری به ایران سفر کرد. آثار او، از تحقیق تا ترجمه، در سه حوزه وسیع زبان و تاریخ و دین جای دارند و، از جمله، تحقیق در زبانهای سامی و ایرانی و دیگر زبانهای شرقی همچنین در انجیل و مسیحیت و اسلام را دربرمی‌گیرند. او چند تحقیق مهم درباره دین در ایران باستان، دین زردشت، و به‌خصوص مانویت انجام داد. از جمله آثار اویند: *اسناد پهلوی از اورامان* (۱۹۲۴)، *الفتح و الرد ابن راوندی* (۱۹۲۵)، *راهنمای پهلوی* (۱۹۲۸-۱۹۳۱)، *مسائل علم تکوین و جهان‌شناسی مزدایی* (۱۹۲۹-۱۹۳۱)، *رساله‌ای در گاه‌شماری مزدایی* (۱۹۳۴)، و *ادیان ایران*.

نیبرگ دانش‌آموخته دانشگاه اوپسالا بود و تا آخرین روزهای زندگی در آنجا ماند: ابتدا به عنوان دانشجوی شرق‌شناسی، سپس به عنوان استادیار، و سرانجام به عنوان استاد کرسی پژوهشهای سامی که قبلاً در اختیار استادش زرتشتین بود. وی هجده سال از عمر خود را نیز، با عنوان استاد بازنشسته، وقف تحقیقات ایرانی به‌ویژه در فارسی میانه و ادیان پیش از اسلام ایران کرد. در اوایل اقامت در اوپسالا، از محضر برخی از متخصصان برجسته بهره برد: یونانی را از دانلیسون^{۴۵}، لاتینی را از پرشون^{۴۶}، سنسکریت را از یوهانسون^{۴۷} و زبانهای سامی را از زرتشتین فراگرفت و، با راهنمایی همو، نگارش رساله‌اش را به پایان رساند. نیبرگ، در مقام استادی، شاگردان برجسته‌ای از طراز *ویدنگرن*^{۴۸}، *ویکاندر*، *هارتمن*^{۴۹}، *اوتاس*، و *یوسفسون*^{۵۰} تربیت کرد که راه او را در مطالعات ایرانی پی گرفتند. از سال

حاشیه

41) Lund University

42) Sachau, Eduard (۱۸۴۵-۱۹۳۰)، مستشرق آلمانی، استاد زبانهای شرقی در وین و برلین، متخصص آثار ابوریحان بیرونی و مترجم آثار الباقیه و کتاب *ماللهند* او.

43) Nyberg, Henrik Samuel

44) Söderbärke

45) Danielson

46) Person

47) Johansson

48) Widengren, Geo (1907-1996)

49) Hartman

50) Josephson

با اخذ مدرک دکتری، استادیار گروه زبانهای سامی شد. در فاصله سالهای ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۴، استاد زبانهای شرقی در دانشگاه لوند^{۴۱} در جنوب سوئد و، از سال ۱۹۰۴، استاد زبانهای سامی دانشگاه اوپسالا بود. او همچنین مدتی در دانشگاه برلین از درس ادوارد زاخائو^{۴۲} بهره گرفت. وی، در عین تخصص و تبحر در زبانهای سامی مانند عربی و عبری، با زبانهای فارسی و ترکی و حبشی نیز آشنایی داشت. او، علاوه بر تصحیح متون و سایر تحقیقات، برای نخستین بار، قرآن را به زبان سوئدی ترجمه کرد و مقدمه‌ای ممتنع در تاریخ قرآن، اسلام، مفاهیم بنیادی اسلام، و بزرگان اسلام بر آن نوشت. مقالات متعددی از او نیز در مجلات معتبر به چاپ رسید.



نیبرگ

هنریک ساموئل نیبرگ^{۴۳} (سوئدی: نیبری) (۱۸۸۹-۱۹۷۴)، بزرگ‌ترین شرق‌شناس و ایران‌شناس سوئدی. وی در سودربرکه^{۴۴}، جنوب سوئد، متولد شد. در سال ۱۹۰۸، تحصیلات عالی را در دانشگاه اوپسالا آغاز کرد. در سال ۱۹۱۹، با نوشتن رساله‌ای درباره عرفان اسلامی و این عربی از دانشگاه اوپسالا درجه دکتری دریافت کرد. طی سالهای ۱۹۳۱-۱۹۵۶ ریاست کرسی زبانهای سامی را در همین دانشگاه بر عهده داشت. در سال ۱۹۴۱، استاد افتخاری الهیات گردید و، در همان حال، یکی از هجده عضو آکادمی ملی سوئد بود. تخصص او در تاریخ ادیان (یهود، مسیحیت، اسلام، زردشتی، و مانوی) و آثار دینی و زبان‌شناسی بود با تمرکز بیشتر بر زبان پهلوی و ادیان ایران باستان به‌ویژه مزدیسنا. او با بیست‌وهشت زبان از جمله

سال ۱۹۳۸، از رسالهٔ دکتری خود در دانشکدهٔ هنر دانشگاه اویسلا دفاع کرد. او اولین کسی بود که موفق شد در زبانها و ادیان ایرانی در سوئد به اخذ درجهٔ دکتری نایل آید. آشنایی ویکاندر با اتو هوفلیر^{۵۷}، فولکلورشناس مشهور اتریشی، و تأثر شدیدش از او در اثر وی به نام *جامعهٔ مردان آریایی*^{۵۸} دیده می‌شود. ویکاندر، در سال ۱۹۴۱، کتابی دربارهٔ وایو، خدای باد هندوایرانی، منتشر کرد. متعاقب آن، دانشگاه لوند در جنوب سوئد به ویکاندر اجازهٔ تدریس داد و او، به عنوان دانشیار زبانهای ایرانی، مشغول به کار شد. وی، اندکی پس از آن، در اواخر جنگ جهانی دوم، به عنوان نمایندهٔ صلیب سرخ در یونان و ترکیه خدمت کرد.

ویکاندر، در سال تحصیلی ۱۹۴۷-۱۹۴۸، به عنوان استاد میهمان در دانشگاه اویسلا تاریخ ادیان تدریس کرد و، در سال ۱۹۵۳، در همین دانشگاه به مقام استادی کرسی سنسکریت و زبان‌شناسی تطبیقی هندواروپایی رسید. وی در سال ۱۹۷۴ بازنشسته شد. در میان شاگردانش می‌توان از جودیت یوسفسون، استاد زبان‌شناسی تطبیقی هندواروپایی در دانشگاه گوتنبورگ؛ گونیل گرین-اکلوند^{۵۹}، استاد هندشناسی دانشگاه اویسلا؛ و بو واتاس، استاد مطالعات ایرانی در دانشگاه اویسلا، نام برد.



منشی‌زاده

داود منشی‌زاده (۶ شهریور ۱۲۹۳/۱۹۱۴-۲۹ تیر ۱۳۶۸/۱۹۸۹) در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در

حاشیه

51) Andreas 52) Henning 53) MacKenzie

(۵۴) برای کتابشناسی کامل نیبرگ ← Toll, 1975 (در منابع)

55) Wikander, Stig

(۵۶) Christensen, Arthur (۱۸۷۵-۱۹۴۵)، ایران‌شناس برجستهٔ دانمارکی.

57) Höfler, Otto (1901-1987)

58) *Der arische Männerbund* 59) Gren-Eklund, Gunilla

۱۹۳۱ که به سمت استادی پژوهشهای سامی رسید، هم خود را صرف تحقیق در جهان ایرانی کرد و، در این حوزه، مکتبی در رقابت با مکتب گوتینگن پدید آورد که ابتدا اندریاس^{۵۱} سپس هنینگ^{۵۲} و شاگردان او از جمله مکزی^{۵۳} نمایندگان آن بودند. با همهٔ اینها، هنینگ و نیبرگ همواره احترام فراوانی برای یکدیگر قائل بودند.

نیبرگ در سن ۸۴ سالگی در اویسلا درگذشت و، در گورستان کهنسال کلیسای اویسلا در کنار دانشکده‌ای که سالها در آن کار می‌کرد، به خاک سپرده شد. وی کتابها و یادداشتهای خود را به دانشگاه اویسلا اهدا کرد که امروز به نام کتابخانهٔ شرق‌شناسی نیبرگ در گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه محفوظ است.^{۵۴}



ویکاندر

استیگ ویکاندر^{۵۵} (۱۹۰۸-۱۹۸۳) در روستایی کوچک در مرکز سوئد متولد شد. پدرش داروساز بود. در هفده سالگی از دبیرستانی در اویسلا فارغ‌التحصیل شد و بلافاصله در دانشگاه شهر ثبت‌نام کرد. پیش از نوزده سالگی، با نمراتی عالی در زبانهای لاتینی و یونانی، دورهٔ فوق لیسانس را گذراند که موفقیت بزرگی شمرده می‌شد. سپس، برای مطالعهٔ زبانها و ادیان ایرانی و هندی به پاریس و برلین و، سرانجام، کپنهاگ رفت. در کپنهاگ، از کلاس درس آرتور کریستنسن^{۵۶} بهره برد.

ویکاندر، در جوانی، با اطلاعاتی وسیع و دانشی عمیق در چند حوزه شهرت یافت. او، در سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶، به همراه ویدنگرن، در سمینارهای آموزش اوستا که به استادی نیبرگ در دانشگاه اویسلا برگزار می‌شد شرکت کرد. وی، در



اوتاس

سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۲) در زمرة محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) از دانشگاه دیتزن^{۶۰} موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فرانسه گردید. سپس به آلمان رفت و، در سال ۱۳۲۲ (۱۹۴۳)، به اخذ درجه دکتری در فلسفه و ادبیات از دانشگاه برلن نایل گشت. در ایام سقوط برلن، هفت روز پیش از خاتمة جنگ جهانی دوم، مجروح شد و دو سال تمام در بیمارستانهای پتسدام^{۶۱} و برلن و مونیخ^{۶۲} بستری بود. در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷)، در دانشگاه مونیخ، تدریس بخشی از ایران‌شناسی به او واگذار شد. منشی‌زاده، در همان زمان، به کار روزنامه‌نگاری نیز می‌پرداخت. وی، در سال ۱۳۲۸ (۱۹۴۹)، یک سال و چند ماه، برای تدریس زبان فارسی، به عنوان استاد میهمان به دانشگاه اسکندریه رفت و در سال ۱۳۳۰، پس از بیست سال، به ایران بازگشت و به تشکیل حزب و روزنامه‌نگاری و فعالیتهای سیاسی روی آورد. پس از کودتای ۱۳۳۲، ایران را ترک کرد. وی، از سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴)، در دانشگاه اوپسالا به پژوهش و تدریس فرهنگ ایران باستان و زبان فارسی مشغول گردید و در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) بازنشسته شد. منشی‌زاده در اوپسالا درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

از او حدود بیست اثر علمی اعم از ترجمه و تألیف به زبانهای آلمانی و فرانسه و فارسی و بیش از پنجاه مقاله در فلسفه، تاریخ، سیاست و علوم اجتماعی به‌جا مانده است. از جمله آثار اوست: *دربه‌در در پی بهشت* (۱۳۳۲)، *پیکار با اهریمن* (۱۳۳۰)، *کمونیسیم و لیبرالیسم* (۱۳۳۶)، *خط سومکا*^{۶۳} (۱۳۳۳)، *پسر گمشده* (آندره ژید، ۱۳۳۶)، *داریوش یکم پادشاه پارسها* (پتر یولیوس یونگه^{۶۴}، ۱۳۳۴)، *دوراندیشی در تکنیک* (خوسه اورتگا ای گاست^{۶۵}، ۱۳۳۲)، *طغیان توده‌ها* (خوسه اورتگا ای گاست، ۱۳۳۴)، *آسیا در کشمکش با اروپا* (فرانتس آلتهایم^{۶۶}، ۱۳۴۳)، *آنتی‌کنتونل* [= روشنفکر] و دیگری (خوسه اورتگا ای گاست، ۱۳۲۲)، *جهان‌داری پارسها* (هانس هاینریش شیدر^{۶۷}، ۱۳۳۵)، *گیل‌گمش کهنه‌ترین حماسه بشری* (گئورگ بورکهارت^{۶۸}، ۱۳۳۴)، *مایا دختر گریز آن‌کندو* (والدمایر نسلس، ترجمه با امضای د. م.، ۱۳۳۲)، *وهرود و ارنگ* [وسیهروت و آرانگ: تحقیق در جغرافیای اساطیری و تاریخی ایران شرقی که پس از درگذشت مؤلف (۱۹۳۰) منتشر شد] (یوزف مارکوآرت^{۶۹}، ۱۳۶۸). مقاله‌هایی ادبی از او در مجله یادگار و مجله دانش به چاپ رسید.

بو اوتاس^{۷۰} (۱۹۳۸ -) در شهرک بیورکلینگه^{۷۱} در شمال اوپسالا متولد شد. او، در آخرین سالهای تحصیلی خود، از طریق اشعار خیام با ادبیات فارسی آشنا شد و متعاقباً این آشنایی به عشقی عمیق بدل گشت. از سال ۱۹۵۹، در دانشگاه اوپسالا فراگیری زبان فارسی از نیبرگ و ویکاندر را آغاز کرد. تا سال ۱۹۷۳، که از پایان‌نامه خود دفاع کرد، فراگیری زبانهای پهلوی، عربی، عبری، ترکی، لاتینی، یونانی، سنسکریت و چینی را نیز پی گرفت. پایان‌نامه او تصحیح انتقادی مثنوی عرفانی *طریق التحقيق* بود. پس از آن، تحقیقات در حوزه عرفان را ادامه داد. وی، پس از ویکاندر، به سال ۱۹۸۸، به عنوان نخستین استاد مطالعات ایرانی، در دانشگاه اوپسالا مشغول تدریس شد و، در این سمت، علاوه بر راهنمایی پایان‌نامه‌های متعدد دانشجویی، به تحقیق در حوزه قلمرو فرهنگی ایران (ایران، افغانستان، و تاجیکستان)، ایران‌شناسی

حاشیه

- 60) Dijon 61) Potsdam 62) Munchen
 ۶۳ اتحادیه کارگری که در مقابله با سندیکاها زیر نفوذ حزب توده ایران تأسیس شد.
 64) Peter Julius Junge
 ۶۵ Gasset, José Ortega y (۱۸۸۳-۱۹۵۵)، نویسنده و فیلسوف اسپانیایی، استاد فلسفه در دانشگاه مادرید.
 66) Altheim, Franz (1898-1976)
 ۶۷ Schaefer, Hans Heinrich (۱۸۹۶-۱۹۵۷)، محقق بزرگ آلمانی در رشته‌های تاریخ، تاریخ و علم ادیان، شرق‌شناسی، شعرشناسی، و موسیقی نظری.
 68) Burckhardt, Georg (1610-1667)
 ۶۹ Markwart, Josef (۱۸۶۴-۱۹۳۰)، ایران‌شناس آلمانی. از جمله آثار اوست: *گاهشماری کتیبه‌های ترکی قدیم* (۱۸۹۸)؛ *ایران‌شهر* (۱۹۰۱)؛ *تحقیقات در تاریخ ایران* (دو جلد، ۱۸۹۶-۱۹۰۵).
 70) Bo Utas 71) Björklinge

فرهنگ بلوچ، از دانشمندان برجسته جهانی به شمار می‌رود. جهانی، علاوه بر زبان مادری خود، سوئدی، با چند زبان دیگر از جمله انگلیسی، فارسی، بلوچی، ارمنی، و فرانسه آشنائی تمام دارد. در سالهای ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰، دو کنفرانس بین‌المللی بر محور زبان و فرهنگ بلوچ در دانشگاه اوپسالا برگزار شد که وی در آنها شرکت فعال داشت و مجموعه مقالات ارائه شده در آنها به ویراستاری او چاپ و منتشر شد.^{۷۴} در حال حاضر، کارینا جهانی استاد بخش زبان و فرهنگ بلوچ است که بو اوتاس، در بازنشستگی، و فروغ حاشاییکی با او همکاری دارند.

بخش زبانهای ایرانی

(فارسی، فارسی میانه، بلوچی، کردی، آذری)

در ابتدای ورود داوطلبان تحصیل به این بخش، به آنان اعلام می‌شود که فارسی زبان رسمی ایران و یکی از مهم‌ترین زبانهای مهاجران ساکن سوئد است. هدف اصلی آموزش این زبان در بخش زبانهای ایرانی دانشگاه اوپسالا آموزش زبان فارسی از طریق مطالعه دستور و متون نو و کلاسیک این زبان در حوزه گفتار و نوشتار است. تمرین سخن گفتن و نوشتن همچنین دوره‌ای برای آموزش زبان فارسی در افغانستان و تاجیکستان (دری و تاجیکی) نیز در برنامه این بخش گنجانده شده است. دوره‌های کوتاه‌مدتی در حوزه تاریخ و زبانهای میانه و باستانی ایرانی از جمله فارسی میانه (پهلوی)، فارسی باستان، و اوستایی برگزار می‌شود. از زبانهای محلی ایرانی، کردی و پشتو و بلوچی نیز در برنامه آموزشی جای دارند. کردی در سطح کارشناسی و پشتو و بلوچی به صورت دروس اختیاری عرضه می‌شود. علاوه بر این، دروس مربوط به زبان و فرهنگ و دین و

حاشیه

72) Hösäng

73) Jahani, Carina

(۷۴) Nissafors, شهری در سوئد با کمتر از هزار نفر جمعیت

75) *Standardization and Orthography in the Balochi Language*

76) *Language in Society – Eight Sociolinguistic Essays on Balochi*, edited by Carina Jahani, Acta Universitatis Upsaliensis, Studia Iranica Upsaliensia, 3, Uppsala 2000; *The Baloch and Their Neighbours: Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, edited by Carina Jahani and Agnes Korn, Reichert, Wiesbaden 2003.

و زبان و ادبیات فارسی پرداخت که حاصل آن، بیش از صدویست اثر شامل کتاب و مقاله تألیفی و ترجمه‌ای است. وی، در سال ۲۰۰۳، بازنشسته شد و، پس از آن، به پاس خدماتش، مجموعه‌ای از مقالات دوستان و دوستانان او و نیز جلد اول کتابی شامل برخی مقالات برگزیده خود او به چاپ رسید. اینک، بو اوتاس، پس از بازنشستگی، در شهر هوسنگ^{۷۴} سوئد زندگی می‌کند و هنوز با دانشگاه اوپسالا در زمینه تدریس و تحقیق و راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویان همکاری دارد. یکی از علایق او ترجمه آثار کلاسیک و معاصر ادبیات فارسی به زبان سوئدی است. وی، علاوه بر ترجمه اشعاری از فردوسی و حافظ و عبید زاکانی، بخشی از سروده‌های مولانا را نیز به زبان سوئدی ترجمه کرده که تاکنون به صورت کتاب منتشر نشده است.



جهانی

کارینا جهانی^{۷۳} (۱۹۵۹ -) در نیسافورس^{۷۴} سوئد متولد شد. به سال ۱۹۸۱ وارد دانشگاه اوپسالا شد و در سال ۱۹۸۳ به اخذ لیسانس در زبانهای ایرانی نایل گردید. از همین سال، وارد دوره دکتری زبانهای ایرانی شد و در سال ۱۹۸۹ از رساله دکتری خود با عنوان معیارسازی و رسم الخط در زبان بلوچی^{۷۵} دفاع کرد. او، در واقع، نخستین کسی بود که توانست از رساله‌ای در مقوله زبانهای ایرانی در دانشگاه اوپسالا دفاع کند. کارینا جهانی، طی تحصیلات دانشگاهی خود، از درس استادانی مانند منشی‌زاده، بو اوتاس، و جودیت یوسفسون بهره گرفت. او، از سال ۱۹۹۰، شروع به تدریس در دانشگاه اوپسالا کرد و، در سال ۲۰۰۴، یک سال پس از بازنشسته شدن بو اوتاس، به سمت استادی کرسی مطالعات ایرانی منصوب شد و با تلاشهای او بود که این کرسی احیا و فعال گشت. کارینا جهانی، از آغاز، در حوزه زبان و زبان‌شناسی محقق فعال بود. وی، در حوزه تخصص خود، زبان و ادبیات و

تاریخ ایران نیز تدریس می‌شود. در این دوره‌ها و مواد درسی، فرهنگ دو هزار و پانصد ساله ایران شناسانده می‌شود. نثر و شعر فارسی کلاسیک و معاصر نیز در همه سطوح طرف توجه است. در بخش زبانهای ایرانی در دوره کارشناسی^{۷۷}، دو گرایش زبان فارسی و شرق‌شناسی^{۷۸} وجود دارد و، در هر دو، درسهایی مانند دستور زبان فارسی، تاریخ ادبیات در ایران، مکالمه فارسی، متون نظم و نثر قدیم و جدید، و تاریخ ایران تا دوره معاصر تدریس می‌شود. علاوه بر این، دانشجویان سایر رشته‌ها نیز می‌توانند دوره‌های آموزش زبان فارسی را به عنوان واحدهای اختیاری بگذرانند و، در بیشتر نیمسالهای تحصیلی، معمولاً چنین دوره‌هایی تشکیل می‌شود.

گرایش زبان فارسی

در گرایش زبان فارسی، تأکید بر دستور، ادبیات کلاسیک، ادبیات مدرن در هر دو حوزه نظم و نثر، ترجمه متون، مکالمه، و ادبیات روزنامه‌ای است. آموزش زبان با القبا و اصوات و املا و دستور زبان ابتدایی یا مکالمه ساده شروع و به تدریج پیشرفته‌تر می‌شود. سپس در نیمسالهای بعدی (از اواخر نیمسال دوم)، متنهای نسبتاً آسان نظم از شاعرانی چون فردوسی، خیام، سعدی، مولوی، حافظ؛ نثر از آثاری چون سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، چهار مقاله، گلستان، تاریخ جهانگشای جوینی؛ اشعار معاصران چون نیر، اخوان، شاملو، فروغ، سپهری و دیگران؛ همچنین نثر معاصر از آثار جمالزاده، صادق هدایت، سیمین دانشور، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی و دستور پیشرفته، تحول زبان و خط تدریس می‌شود.

گرایش شرق‌شناسی

حوزه برنامه شرق‌شناسی منطقه جغرافیائی وسیعی از هند تا مراکش و از سودان تا آسیای میانه را دربرمی‌گیرد. در زمینه این گستره فرهنگی، زبان محور آموزش و پژوهش است. بیش از نیمی از هر نیمسال به یکی از زبانهای اصلی - عربی، فارسی، ترکی یا هندی - اختصاص دارد. برنامه آموزش و پژوهش بر مسائل زبانی، اوضاع سیاسی، و شرایط فرهنگی و مذهبی در خاورمیانه، افریقای شمالی، ترکیه، آسیای مرکزی، ایران، افغانستان و هند متمرکز است. دوره اولیه شامل صدویست واحد و دوره متوسط و پیشرفته شامل شصت واحد است. در چهار نیمسال اول، در نیمی از هر کدام به چهار زبان اصلی عربی، هندی، فارسی، ترکی

پرداخته می‌شود و نیم دیگر به مطالعه سیاست، دین، اقتصاد، و فرهنگ اختصاص می‌یابد. از دروس، برخی، مانند آنها که به مباحث جغرافیائی و اجتماعی و دینی مربوطاند، مشترک و برخی دیگر، مانند آنها که به وقایع منطقه‌ای و تاریخی و ادبی مربوطاند، به یکی از زبانهای اصلی وابسته‌اند. در نیمسال چهارم، دانشجویان به خارج از کشور می‌روند تا در یکی از مراکز آموزش زبان در خاورمیانه، ترکیه، ایران، و هند به فراگیری زبان تا حد سی واحد درسی بپردازند. نیمسال پنجم باز در اوپسالا تشکیل می‌شود و به زبان و مطالعات منطقه‌ای اختصاص می‌یابد. در نیمسال ششم (آخرین نیمسال)، دانشجویان مسیر و حوزه‌ای فراتر از زبان‌شناسی را برمی‌گزینند. در حال حاضر، چنین مقرّر شده که تمرکز بر روی زبانها و ادبیات، دین، تاریخ، اقتصاد، و علوم سیاسی باشد. در همین نیمسال، هر دانشجو، پروژه‌ای مستقل در حوزه‌ای تخصصی که انتخاب کرده می‌نویسد که به مثابه پایان‌نامه اوست و، با نوشتن آن، برای دریافت درجه کارشناسی در رشته شرق‌شناسی با همان زبانی که برگزیده، حائز شروط لازم می‌شود. در گرایش شرق‌شناسی با زبان فارسی، تقریباً نیمی از دروس به زبان فارسی و نیم دیگر به مباحث شرق‌شناسی همچون ادبیات، فرهنگ، جامعه، تاریخ خاورمیانه و ایران پیش از اسلام و عصر اسلامی، ادیان، اقتصاد و تجارت، ساختارهای اجتماعی و نظایر آنها مربوطاند. در مجموع، در گرایش شرق‌شناسی همه بخشها (عربی، فارسی، ترکی، هندی)، دانشجو ۹۷/۵ واحد در زبان همان بخش را می‌گذرانند.

روش تحقیق آخرین درسی است که دانشجویان هر دو گرایش (زبان فارسی و شرق‌شناسی) می‌خوانند. نیمی از این درس به صورت نظری است و، در آن، دانشجو با روش تحقیق در زبان‌شناسی و ادبیات، کاربرد پرسشنامه، مصاحبه، استفاده از

حاشیه

۷۷) دانشجویان، در دوره کارشناسی، مجموعاً صدو هشتاد واحد درسی را باید بگذرانند: در نیمسال اول، ۲۲/۵ واحد و، در نیمسالهای دیگر، هر کدام سی واحد. گذراندن این واحدها معمولاً سه سال طول می‌کشد.
۷۸) Oriental Studies، در دیگر بخشهای مرتبط با آسیا و خاورمیانه (عربی، فارسی، ترکی، هندی) نیز چنین گرایشی وجود دارد منتها با تأکید بر زبان همان بخش. در هریک از این بخشها، دانشجو دروس مربوط به زبان همان بخش را باید بگذرانند.

Widmark, Anders, "Nal u Daman; An Indian Painting in a Persian Frame"

نل و دمن: نگاره‌ای هندی در انگاره فارسی (منظومه‌ای از قرن شانزدهم میلادی/ دهم هجری، سروده فیض دکنی ملک الشعرا دربار اکبر)

Thylen, Magnus, "Kvinnor utan män – en feministisk litteraturkritisk analys av en iransk roman"

زنان بدون مردان - تحلیل انتقادی ادبی فمینیستی رمانی ایرانی

Karlsson, Linda, "The Gilaki Dialect of Rasht, A Short Phonological and Morphological Description"

گویش گیلکی رشت: توصیف مختصر واج‌شناختی و تکواژشناختی

Larsson, Pär Fredborn, "Älskaren är alltid ensam, sohrab sepehris längdikt *Mosafer*"

عاشق همیشه تنها، منظومه بلند مسافر از سهراب سپهری

دوره کارشناسی ارشد (MA)

تا پیش از زمان استادی خانم جهانی، دوره کارشناسی ارشد وجود نداشت و دانشجویان می‌توانستند با کسب درجه لیسانس به دوره دکتری راه یابند. اما از امسال دوره دوساله کارشناسی ارشد دایر می‌شود هرچند هنوز جزئیات برنامه و مواد درسی آن مشخص نشده است.

دوره دکتری

هریک از بخشهای گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه از جمله بخش زبانهای ایرانی می‌توانند دوره دکتری داشته باشند و دانشجوی تربیت کنند. در این مقطع، برنامه و فهرست دروس بسیار انعطاف‌پذیر است و چه‌بسا در هر سال و حتی در مورد هر دانشجوی، بسته به گرایش و پایان‌نامه او، تفاوت پیدا کند.

دانشجو باید، در دوره دکتری، دو‌بست و چهل واحد و، برای کسب درجه‌ای میان فوق لیسانس و دکتری، صد و بیست واحد بگذراند.

دوره دکتری در رشته زبانهای ایرانی چهار سال (نود واحد درس نظری و صد و پنجاه واحد پایان‌نامه) است. دوره فاصل میان فوق لیسانس و دکتری دو سال با شصت واحد درس و شصت واحد پایان‌نامه است. خواندن دروس نظری و کار برای تهیه پایان‌نامه تاحدی موازی و همزمان انجام می‌گیرد. در آغاز، بیشتر

متون، روش تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای، کارهای فنی مانند نوشتن پانویس و کتابنامه آشنا می‌گردد. نیم دیگر صرف تحقیقی می‌شود که دانشجوی باید، براساس آموخته‌هایش، انجام دهد و آن می‌تواند گفت در حکم پایان‌نامه دوره است و با ارائه آن دانشجوی با درجه کارشناسی (BA) فارغ‌التحصیل می‌شود.

نمونه‌ای از تکلیفها یا مقاله‌های پایان دوره لیسانس

Heshmati, Bromand (برومند حشمتی), "Passivkonstruktion i Persiska och Tārix-e Beihaqi"

ساخت مجهول در تاریخ بیهقی

_____, "Hur tolkas shamlu inom olika kulturer (en analys av shamlu dikter ur tre perspektiv"

چگونگی تفسیر شاملو در فرهنگهای گوناگون (تحلیلی از شعر شاملو از سه منظر)

Lemanczyk, Szczepan, "Pashto orthography"

رسم الخط پشتو

Nilsson, Alexander, "A Comparative Analysis Between Conditionals in Classical Persian, Modern Persian and Modern Tajik"

بررسی و تحلیل مقایسه‌ای جملات شرطی در فارسی کهن، فارسی نوین، و تاجیکی نوین

Krook, Per, "kontinuitet och innovation i övergången från medelpersiska till nypersiska) ordförråd och formlära- några iakttagelser"

استمرار و نوآوری در گذر از فارسی میانه به فارسی نو (واژگان و تکواژشناسی)، چند نظر

Shojai, Behrooz (بهروز شجاعی), "The Kurdish of Gilan"

زبان کردی گیلان

Abdollahian, Somaje (سمیه عبداللّه‌یان), "L¹ Persian Influence on the Acquisition of NPs in L² Swedish"

تأثیر فارسی (زبان اول) بر یادگیری جملات اسمی در سوئدی (زبان دوم)

Kraulis, Lars, "Reckoning and Immortality Amid an Ocean of Destruction (An Interpretation of the History of the World-conqueror by Ala-ad Din Ata Malik Juvaini)"

تسویه حساب و جاودانگی در دل اقیانوس ویران‌سازی (تفسیری بر تاریخ جهانگشای علاءالدین عطا ملک جوینی)

_____, "Jämförelse mellan två stilarter i persisk tidningstext"

مقایسه‌ای میان دو گونه در فارسی مطبوعاتی

Mirzaie, Maryam (مریم میرزایی), "Mani och Manikeism"

مانی و مانویت

فهرستی از پایان‌نامه‌های دکتری در بخش زبانهای ایرانی

Jahani, Carina (1989), *Standardization and Orthography in the Balochi Language*.

معیارسازی و رسم‌الخط در زبان بلوچی

Josephson, Judith (1997), *The Pahlavi Translation Technique as Illustrated by Hom Yasht*.

فن گزارش (ترجمه) در زبان پهلوی آرنجان که در هومیشست مصداق یافته است.

Hasanpoor, Jafar (1999), *A Study of European, Persian and Arabic Loans in Standard Sorani*.

مطالعه‌ای در واژه‌های وام‌گرفته از زبانهای اروپایی، فارسی، و عربی در زبان سورانی معیار

Taghi, Shokoufeh (2000), *The Two Wings of Wisdom: Mysticism and Philosophy in the Risalat ut Tair of Ibn Sina*.

دو بال حکمت: عرفان و فلسفه در رساله الطیر ابن سینا

Dahlen, Ashk (2001), *Deciphering the Meaning of Revealed Law. The Surushian Paradigm in Shi'i Epistemology*.

رمزگشایی از قانون الهی (شرع). مهین‌الگوی سروشی در دانش‌شناخت شیعی

Ahmadzadeh, Hashem (2003), *Nation and Novel. A Study of Persian and Kurdish Narrative Discourse*.

ملت و رمان. مطالعه گفتمان روایی در زبان فارسی و در کردی

Hashabeiky, Forogh (2005), *Persian Orthography. Modification or Changeover? (1850-2000)*.

خط فارسی، اصلاح یا تغییر

Fallahzadeh, Mehrdad (2005), *Persian Writing on Music. A Study of Persian Musical Literature from 1000 to 1500 AD*.

نوشته‌های فارسی درباره موسیقی. مطالعه متون فارسی در موسیقی از سال ۱۰۰۰ (قرن ۴ هـ) تا ۱۵۰۰ م (قرن ۹ هـ)

Bani-Shoraka, Helena (2005), *Language Choice and Code-switching in the Azerbaijani Community in Tehran. A Conversation Analytic Approach to Bilingual Practices*.

انتخاب زبان و کدگردانی نزد جماعت آذربایجانی تهران. رویکرد تحلیلی به تجربه‌های دوزبانی در مکالمه

Axenov, Serge (2006), *The Balochi Language of Turkmenistan*.

زبان بلوچی ترکمنستان

حاشیه

۷۹) با توجه به اینکه در سوئد، از نظر زمانی، محدودیت اندکی در راه تحصیل وجود دارد، ممکن است دانشجوی، پس از گذراندن واحدهای درسی و پیش از نوشتن پایان‌نامه، به دلیلی منطقی و پذیرفتنی، مدتی از کار کناره بگیرد که، در این صورت، دانشجوی غیرفعال خوانده می‌شود.

تأکید بر دروسهای نظری است؛ اما متعاقباً تمرکز به پایان‌نامه‌نویسی منتقل می‌گردد. دانشجوی دکتری باید فعالانه در سمینارهای گروه شرکت و گزارش تهیه کند؛ همچنین باید نتایج تحقیق خود را حداقل در جلسه‌ای علمی، ملی، یا بین‌المللی عرضه دارد. دانشجو برخی از دروس و آموزشها را می‌تواند با دیگر استادان، گروهها، دانشکده‌ها، و حتی دانشگاهها بگذراند. دانشجوی دکتری این امکان را دارد که، به عنوان سخنران مهمان، در موضوع مطالعاتی خود یا مربوط به آن در سمینارها شرکت کند. به دانشجوی دکتری توصیه می‌شود یک سال در کلاسهای یکی از مراکز پیشرو خارجی در حوزه مطالعاتی خود شرکت کند. استاد راهنما باید مرتباً با دانشجویش ارتباط داشته باشد تا درباره چگونگی پیشرفت کار تبادل نظر کنند. به دانشجوی دکتری فرصت داده می‌شود در دوره‌های آموزشی شرکت و تدریس کند.

دانشجویان دکتری در رشته زبانهای ایرانی — پس از گذراندن نود واحد نظری شامل فارسی باستان، اوستایی، فارسی میانه (پهلوانیک و پارسیک)؛ یکی از زبانهای محلی یا گویشهای ایران، بسته به گرایش و علاقه دانشجو مانند فارسی، فارسی میانه، پشتو، گیلکی، مازندرانی، بلوچی، آذری؛ زبان‌شناسی تطبیقی ایرانی برای دانشجوی گرایش زبان؛ ادبیات تطبیقی ایرانی برای گرایش ادبیات؛ جامعه‌شناسی زبان؛ تاریخ سیاسی و ادیان در ایران؛ و نظریه و روش تحقیق، که معمولاً سه نیمسال طول می‌کشد — نوشتن پایان‌نامه را آغاز می‌کنند. نوشتن پایان‌نامه معمولاً دو سال و نیم زمان می‌برد. پس از آنکه پایان‌نامه نوشته شد و به تأیید استادان راهنما و مشاور و داور اولیه رسید، دانشگاه آن را، پیش از دفاع نهایی، به صورت کتاب به چاپ می‌رساند که در جلسه دفاع در اختیار هیئت داوران و حاضران گذاشته می‌شود.

در جلسات دفاع از پایان‌نامه، معمولاً سه استاد که تا آن زمان در فرایند تحقیق و تدوین پایان‌نامه هیچ نقشی بر عهده نداشته‌اند وظیفه دارند کار را بررسی کنند، سؤالهایی را مطرح و اشکالات کار را گوشزد سازند. دانشجو به پرسشها پاسخ و درباره اشکالات توضیح می‌دهد. آن‌گاه همین سه استاد، پس از مشورت، قبولی یا رد کار را اعلام می‌کنند.

در حال حاضر، در دوره دکتری بخش زبانهای ایرانی، سه دانشجوی فعال و یک دانشجوی غیرفعال^{۷۹} حضور دارند.

سی‌وشش جلد (شماره) از این نشریه تا سال ۱۹۴۲ منتشر شد و، در آن سال، ادغام آن در *Acta Orientalia* صورت گرفت. سی‌وشش شماره این مجله، از این نظر که از شرق‌شناسی سوئد در نیمه اول قرن بیستم تصویر روشنی به دست می‌دهند، شاخص‌اند و ادای احترام به آرمان‌گرایی و استقامت زرتشتین و نیبرگ شمرده می‌شوند که، با همه مشکلات ناشی از دو جنگ جهانی، ادامه نشر آن را تضمین کردند. از نویسندگان برجسته این نشریه در حوزه ایران‌شناسی که تا پایان عمر نشریه به آن وفادار ماندند ایران‌شناس دانمارکی کریستنسن را باید نام برد. همچنین از اسلام‌شناس آلمانی، مارتین هارتمن، باید یاد کرد که از ابتدا مقاله‌های او در این نشریه به چاپ رسید. در شماره‌ای از این نشریه که در سال ۱۹۱۵ منتشر شد، نیبرگ، طی مقاله‌ای، به بررسی اثری از او درباره اسلام دست زد.

در سال ۱۹۱۹، سیگرید لیندکویست^{۸۲} در مقاله‌ای ثابت کرد که تخراری زبانی ایرانی است که در متون مانوی به کار رفته است. زرتشتین ترجمه هزار و یکشب به سوئدی را شکستی کامل دانست و، در مقابل، تاریخ ایران از سر پرسی سایکس^{۸۳} و پژوهش کریستنسن درباره یکی از گویشهای ایرانی را ستود. کلمودین^{۸۴} هم ترجمه به زبان سوئدی قرآن به قلم زرتشتین را ارج نهاد. پس از جنگ بین‌المللی ۱۹۱۴-۱۹۱۸، مرزها باز شد و کتابهای جدید رسید. زرتشتین بخش معرفی و بررسی کتابها را تقویت کرد و نیبرگ را با چند تن دیگر بر آن گماشت. خود او ترجمه هرملین از بوستان سعدی را معرفی کرد. با توجه به مشکلات پس از جنگ، اندک‌اندک از شمار دبیران مجله کاسته شد به طوری که از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹ زرتشتین یگانه سردبیر نشریه بود و دانشجوی جوانش، نیبرگ، به او کمک می‌کرد. مع الوصف، علاقه به شرق شدت یافته بود چنانکه از سال

حاشیه

۸۰) RAAS تاکنون فقط دو کتاب زیر را چاپ و منتشر کرده است:
 Hasanpoor, Jafar (1999), *A Study of European, Persian and Arabic Loans in Standard Sorani*;
 Isaksson, Bo and Laanatz, Marianne (eds.) (2004), *About the Berbers. History, Language, Culture and Socio-economic Conditions*.
 بقیه کتابها در بخش *Studia Iranica Upsaliensia* به چاپ رسیده است.
 81) Johanson, Lars
 82) Sigrid Lindkvist
 ۸۳) Sykes (۱۸۶۷-۱۹۴۵)، نظامی و مستشرق انگلیسی دارای تألیفات متعدد درباره ایران از جمله تاریخ ایران (۱۹۱۵)
 84) Kolmodin

Kargar, Dariush (2009), *Ardāy-Vīrāf Nāma. Iranian Conceptions of the Other World*.

ارداویراف‌نامه. دریافتهای ایرانی از جهان دیگر

در دست تهیه

Widmark, Anders, Pashto Short Story Writing.

داستان کوتاه در زبان پشتو

Barjasteh Delforooz, Behrooz, Discourse Features in Balochi of Sistan (Oral Narratives).

خصایص گفتگویی در زبان بلوچی سیستان

Shojai, Behrooz, The Ergative Pattern in the Verbal System of Written North Kurdish.

الگوی ارگتیو در نظام فعل زبان کردی نوشتاری شمالی.

انتشارات بخش زبانهای ایرانی

در حال حاضر، انتشارات گروه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه در سه قسمت جای می‌گیرد:

۱. *Studia Iranica Upsaliensia*;

۲. RAAS که وظیفه چاپ و نشر پایان‌نامه‌های دانشجویی (با شمارگان محدود، حدود پانصد نسخه)، مجموعه مقالات همایشهایی که گروه برگزار می‌کند همچنین تحقیقات استادان گروه را در صورت تصویب در هیئت مدیره بر عهده دارد. طرح روی جلد در همه این کتابها یکسان است.^{۸۵}

۳. نشریه‌ای به نام *Orientalia Suecana*.

در سال ۱۹۰۶، به همت چهار تن از استادان دانشگاه اوسپالا از جمله یوهانسون^{۸۶}، استاد زبان‌شناسی تطبیقی هندواروپایی و زرتشتین، استاد زبانهای سامی، نشریه‌ای با نام *Le Monde Oriental* منتشر شد. مندرجات این نشریه در مباحث تاریخ و قوم‌شناسی، زبانها و ادبیات، ادیان و سنتهای اروپای شرقی و آسیا بود. زرتشتین، در سال ۱۹۰۹، از جمله دبیران آن و، در سال ۱۹۲۳، یگانه سردبیر آن شد. در سال ۱۹۲۸، نیبرگ جانشین او شد.

این مجله برای انتشار نوشته‌های محققان اسکاندیناوی و جهانی در حوزه شرق‌شناسی با هدف نشر نتایج تحقیقات شرق‌شناسان سوئدی در جهان و ایجاد ارتباط مستمر آنان با جهان خاورشناسی پدید آمد. مقاله‌های پیشنهادی برای درج در مجله می‌بایست به یکی از زبانهای فرانسه، آلمانی، انگلیسی، یا یکی از زبانهای اسکاندیناوی همراه با خلاصه‌ای به زبان فرانسه یا آلمانی یا انگلیسی باشد.

۱۹۲۳ مقاله‌های مربوط به ایران و زبانهای ایرانی افزایش یافت. در سال ۱۹۲۶، اول بار، مسائل مربوط به ایران و زبانهای باستانی ایران به گستردگی منتشر شد.

در سال ۱۹۲۸، یک سال مانده به بازنشستگی زرتشتین، نیبرگ سردبیری مجله را از او تحویل گرفت هرچند تا یک سال هنوز نام زرتشتین به عنوان سردبیر باقی ماند. از سال ۱۹۲۹، نیبرگ رسماً سردبیر مجله شد و تا سال ۱۹۴۱ در این مقام پایدار ماند و پژوهشهای ایران‌شناسی در زمان سردبیری او اولویت یافت. در سالهای جنگ جهانی دوم، مجله می‌توان گفت دچار فترت گشت. مشکلات سردبیر آن را آن‌چنان خسته و آزرده ساخت که سرانجام موافقت کرد مجله را در *Acta Orientalia*، نشریه شرق‌شناسی دانمارک، ادغام کند و به عنوان نشریه‌ای متعلق به اروپای شمالی پدید آورد که آثار تحقیقی با همکاری محققانی از دانمارک، نروژ، فنلاند و سوئد در آن درج گردد. ویکاندر و ویدنگرن، شاگردان نیبرگ، نارضایی خود را از این ادغام ابراز داشتند. بدین قرار، عمر مجله *Le Monde Oriental*، که همچون یادمانی باشکوه از شرق‌شناسی سوئد در نیمه اول قرن بیستم عرض وجود می‌کرد، در سال ۱۹۴۲ به پایان رسید.

پس از وقفه‌ای ده‌ساله، در سال ۱۹۵۲، مجله *Orientalia Suecana*، به عنوان جانشین *Le Monde Oriental*، به همت اریک گرین^{۸۵} به عنوان مرکز و میدانی برای عرضه تحقیقات شرق‌شناسی در اوپسالا بنیان گذاشته شد. این نشریه به صورت سالنامه با کمک مالی شورای پژوهشی سوئد منتشر می‌شود. تاکنون پنجاه‌ونه شماره از آن انتشار یافته است. در سالهای اخیر، سردبیران قدیم آن، بو اتاس و گونیل گرین-اکلوند، بازنشسته شدند و مجله اکنون به سرپرستی هیئتی از دبیران (از هر بخش یک استاد) اداره می‌شود.

در مقدمه شماره اول *Orientalia Suecana*، درباره هدف از نشر آن آمده است: در سالهای اخیر، کمیت و کیفیت مطالعات شرق‌شناختی در سوئد آن‌چنان گسترش یافته که وجود نشریه‌ای ادواری برای منعکس ساختن آنها بسیار ضرور می‌نماید. فرهنگ باستانی خاور نزدیک و نیز جنبه‌هایی خاص از تحقیقات اسلامی، ایران‌شناسی، مصرشناسی، و مردم‌شناسی افریقا توجه بسیاری از محققان را جلب کرده است. نشریه حاضر، در وهله نخست، در پی برآوردن نیاز آنان است. اما احتمال گسترش دامنه کار در آینده وجود دارد ... نگاهی دقیق به محتوای نشریه تغییراتی آشکار در جهان علمی

شرق‌شناسی را طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد. در سالهای ۱۹۹۰، شمار کسانی که از خارج مقالات خود را برای درج در نشریه می‌فرستند افزایش یافته است. در اوایل کار، مقالات در حوزه زبان‌شناسی بیشتر به مباحث تاریخی به‌ویژه تاریخ ادیان ناظر بودند. اکنون، در جنب مقاله‌های مربوط به دوران باستان، مقاله‌هایی در مباحث و پدیده‌های امروزی جای گرفته‌اند. مقاله‌های مربوط به مباحث زبان‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی نیز، با بهره‌گیری از نظریه‌های نوین، جلوه روشن‌تری پیدا کرده‌اند. برای مشاهده دقیق این تغییر و تنوع مقالات از حیث موضوع و تعلق زمانی و نظرگاه، مقایسه دو مقاله نمونه‌وار دستگیر است: مقاله‌های «میترا در ایران باستان»^{۸۶} (شماره ۱، ۱۹۵۲) و «نوشتاری درباره چشم‌انداز شرق و غرب در رمانهای اورهان پاموک»^{۸۷} (شماره ۵۶، ۲۰۰۷). با نگاهی کلی به مقالات این نشریه، غلبه بحثهای زبان‌شناختی در خاورزمین بر مقالات شرق‌شناختی صرف به وضوح دیده می‌شود.

در اطلاعیه اخیر هیئت دبیران نشریه آمده است که شماره ۵۸ آخرین شماره‌ای از مجله است که به صورت سنتی منتشر می‌شود. از سال ۲۰۱۰ انتشار نشریه به صورت on line خواهد بود که نشانی الکترونیکی آن <http://www.lingfil.uu.se/orientalia> است.

فرجام سخن

چنانکه دیدیم، دانشگاه اوپسالا، در حوزه شرق‌شناسی و ایران‌شناسی، امکانات کم‌نظیری دارد. استفاده از این امکانات برای گسترش زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران معتم است. سابقه ممتاز این دانشگاه در شرق‌شناسی و ایران‌شناسی، حضور فعال استادان بزرگ حوزه ایران‌شناسی در آن، کتابخانه‌های غنی و نشریه کهنسال آن در جهان غرب کم‌نظیر است.

امروزه نیز بخش زبانهای ایرانی این دانشگاه، با استادان میرز و دانشجویان علاقه‌مندش، امکانات بالقوه وسیعی دارد که می‌تواند آن را به صورت مرکزی مهم برای گسترش زبان و ادبیات فارسی

حاشیه

85) Erik Green (1904-1959)

86) Wikander, S. (1952), "Mithra en vieux-perse", *Orientalia Suecana*, Vol. I, Fasc. 1/2, pp. 66-68.

87) Reinhard Heß, Michael (2007), "Ost und West in den Augen von Orphan Pamuk Zwei Beiträge", *Orientalia Suecana*, Vol. LVI, pp. 104-145.

Kahle, Sigrid (2002-3), "Le Monde oriental, 1906-1946", *Orientalia Suecana*, LI-LII, pp. 275-295.

Sohrabi, Bahram (2005), "Early Swedish Travelers to Persia", *Iranian Studies*, 38: 4, pp. 631-660.

Toll, Christopher (1975), "Bibliographie H. S. Nyberg", *Acta Iranica*, 4 (*Hommages et opera minora: Monumentum H.S. Nyberg*), Téhéran-Liège & Leiden, pp. IX-XXXI.

Utas, Bo (1974), "Henrik Samuel Nyberg", *Acta Orientalia*, 36, pp. 5-9.

—— (1975), "H. S. Nyberg", *Acta Iranica*, 4 (*Hommages et opera minora: Monumentum H.S. Nyberg*), Leiden-Téhéran-Liège, pp. 1-7.

—— (ed.), *Frahang i Pahlavik edited with transliteration, transcription and commentary from the posthumous papers of Henrik Samuel Nyberg*, Wiesbaden 1988.

—— (2003), "Hermelin, Axel Eric" (اینترنت).

—— (2008), *Manuscript, Text and Literature*, Ed. by Carina Jahani and Dariush Kargar, Wiesbaden.

Widengren, Geo, "Henrik Samuel Nyberg and Iranian Studies in the Light of Personal Reminiscences", in *Monumentum H. S. Nyberg II*, *Acta Iranica*, 5, Leiden-Téhéran-Liège 1975, pp. 419-456.

وبگاههای اینترنتی متعدد.

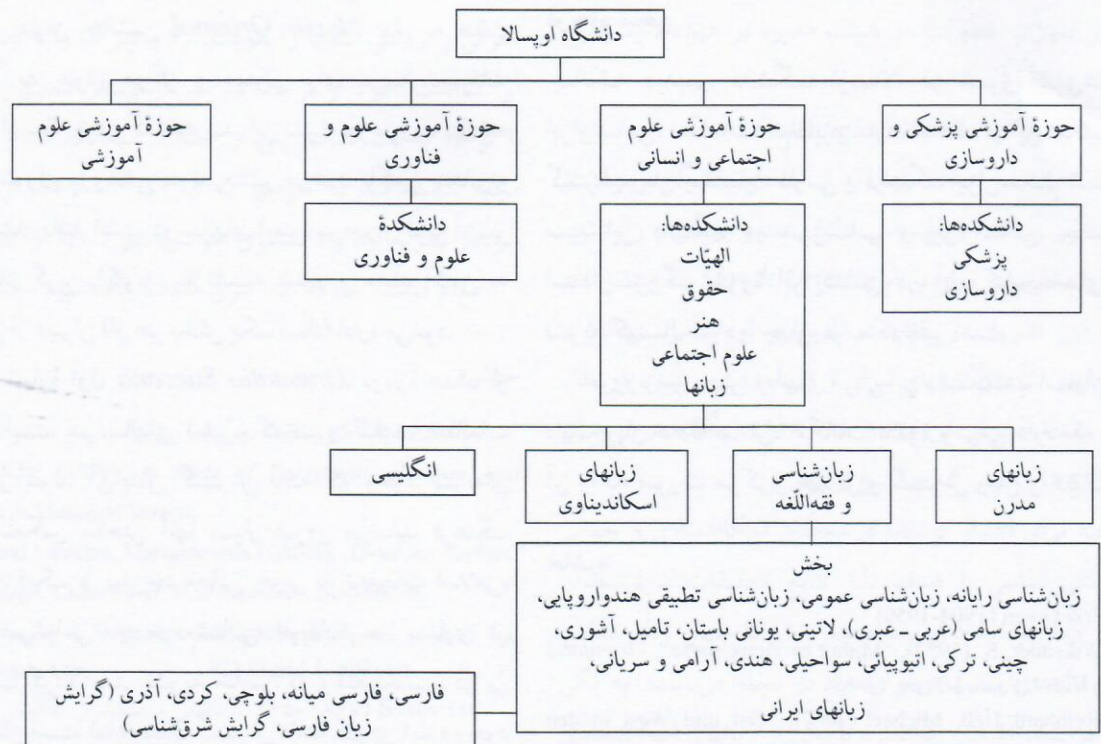
و فرهنگ ایران در اروپای شمالی درآورد. در حال حاضر، به دلایلی، در بخش زبانهای ایرانی دانشگاه اوپسالا همچنان که در شماره‌های اخیر نشریه، مباحث زبان‌شناسی و تحقیق در گویشهای ایرانی غلبه یافته و توجه به ادبیات فارسی کمرنگ‌تر شده است. ادبیات کلاسیک فارسی در خدمت تدریس دستور است. از ادبیات معاصر نیز بیشتر برای آموزش سخن گفتن و مکالمه بهره گرفته می‌شود. تأکید بر ادبیات منثور است و شعر اندکی در محاق قرار گرفته است. از این رو، جلب توجه اولیا و استادان دانشگاه به اهمیت و ارزش جهانی ادبیات فارسی با ذخایر فرهنگی و فکری و ذوقی عظیم آن ضرور به نظر می‌رسد.

منابع

Asmussen, Jes P., "Christensen, Arthur Emanuel", *Encyclopaedia Iranica*.

Gren-Eklund, Gunilla & Johanson, Lars & Utas, Bo (2009), "Editorial Note", *Orientalia Suecana*, LVIII, pp. 5-7.

Jahani, Carina (2008), "Bo Utas, A Seventy Years Young Scholar and Friend", in *Manuscript, Text and Literature*, Ed. by Carina Jahani and Dariush Kargar, Wiesbaden, pp. XIII-VVI.



نمودار ساختار دانشگاه اوپسالا و موقعیت بخش زبانهای ایرانی در آن